

1- الفاظ مربوط به موقوف علیه

1- الفاظ مربوط به موقوف علیه

مرجع تشخیص مفاهیم و معانی الفاظ وقفنامه

۷۲۷. آیا شرکت کنندگان در مجالس عزاداری و اهالی منطقه ای که حسینیّه برای آنان تأسیس شده، حق دخالت در تفسیر فقرات و وقفنامه را دارند؟

جواب: برای فهم مفاد وقف نامه، در صورتی که اجمال یا ابهام داشته باشد، باید به شواهد و قرائن حالیه و مقالیه و یا به عرف مراجعه کرد و کسی حق ندارد آنها را از طرف خودش تفسیر به رأی کند.

۷۲۸. هیئتی ملکی را جهت حسینیّه خریداری و وقف نموده اند، و ضمن صیغه وقف خود را متولی تعیین نموده اند فعلاً در تفسیر فقرات وقفنامه اختلافی پیش آمده، حق تفسیر با کیست؟

جواب: در مقام استظهار برای رفع اختلاف باید به عرف مراجعه شود و آنچه متفاهم عرف از عبارت است باید عمل شود.

موقوف علیه اولاد ذکور نسل بعد نسل

۷۲۹. در یک موقوفه خاص اولاد ذکور، نسل بعد نسل، و فاقد متصدی و متولی که به صورت موقوف علیهم اداره می گردد، و با توجه به نظر اکثریت علمای اعلام و آیات عظام و مشایخ زمان مبنی بر اینکه موقوف علیهم مستحق عواید زمان می باشند، و یک موقوفه خاص که همیشه به صورت موقوف علیهم اداره می گردیده است یکی از موقوف علیهم فوت می نماید. چنانچه منافعی از موقوفه حاصل گردد، با عنایت به نظریه مشهور علماء:

اولاً: مربوط به افراد ذکور می تواند باشد یا خیر؟

ثانیاً: این منافع مربوط به بطون لاحقّه می باشد یا بطون سابقّه؟

ثالثاً: آیا اداره موقوفه خاص بایستی توسط افراد صالح، با تقوی، اورع، پرهیزگار، دارای شهرت علمی، متعهد، متدین و... اداره شود یا اینکه هر کسی بدون داشتن صفات (فوق الذکر) می تواند اداره کننده یا متصدی و متولی این موقوفه باشد؟

جواب: اولاً: موقوف علیهم کسانی هستند که در وقف نامه ذکر شده است یعنی اولاد ذکور نسل بعد نسل.

ثانیاً: منافع فعلی مربوط به بطن فعلی است.

ثالثاً: تولیت اوقاف بدون متولی با حاکم شرع است.

موقوف علیه اولاد واقف

۷۳۰. در وقفنامه پیوستی، تولیت موقوفه بر عهده اولاد ذکور نسل بعد نسل قرار داده شده است ولی عواید موقوفه پس از کسر عشر روثنائی مرقد منور امیرالمؤمنین علی (ع) باید سرف اولاد واقف در هر طبقه بشود، حال سؤال این است که با توجه به اینکه صرف عواید را مرحوم واقف بر اولاد هر طبقه وقف منظور کرده است آیا با وجود طبقات اول عواید موقوفه به طبقات بعدی هم می رسد یا خیر؟

جواب: کلمه هر طبقه در وقفنامه نیست، و موقوف علیهم را اولاد فرزند سعادتمند ذکر کرده است که بر طبقه قبل و بعد صادق است، بخصوص که در متولی که اولاد ذکور کرده نسل بعد نسل و بطناً بعد بطن آورده، و در موقوف علیهم قید نکرده است، بنابر این عوائد به طبقه بعد هم می رسد.

موقوف علیه مطلق خیرات

۷۳۱. مصرف موقوفه ای جهت مسجد و حمام و خیرات روستا است، مستدعی است نظر مبارک را در این خصوص که با توجه به مخروبه شدن حمام قبلی روستا حمامی در محلی جدید احداث شده است. آیا می توان منافع موقوفه مارالذکر را در حمام جدید الاحداث صرف کرد یا خیر؟ لازم به ذکر است که خیرات محل نیز مخروب و معدوم گردیده لیکن مسجد محل پابرجا و معمور است و نیاز به تعمیر نیز دارد.

جواب: اگر منظور واقف از مصرف خیرات، خیرات خاصی است در فرض سؤال جایز نیست عواید را در غیر سه مورد مذکور در وقف صرف

نمایند و اگر مطلق کارهای خیر است و قرینه و دلیلی نیست که منظور خیرات خاصی باشد حمام جدید هم از خیرات محسوب است و متولی شرعی می تواند طبق وقف با مراعات همه جهات وقف عواید را در آن هم صرف نماید.

۷۳۲. اولاً: مکانی بوده که واقف وقف خیرات نموده برای استفاده فقراء و کسانی که مسافر هستند و از روستا عبور می کنند و چون مکان از زمان سابق بود و متولی هم نداشت مخروبه شد و افرادی هم از این مکان در راه های نامشروع استفاده می کردند لذا عده ای از مردم روستادر این مکان حسینییه ساختند تصرف در مکان خیرات و تبدیل آن به حسینییه از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

تصرف دیگران در این مکان که فعلاً به عنوان حسینییه است از قبیل نماز خواندن مراسم تعزیه و... چه صورت دارد جایز است یا خیر؟ ثانیاً: چون حسینییه در مکان خیرات ساخته شده است و دگر نمی شود کاری در جهت وقف انجام داد، از نظر شرعی چه راهی وجود دارد که هم تصرف دیگران در این حسینییه جائز باشد و هم جهتی را که واقف وقف کرده است برآورده شود با توجه به اینکه متولی هم ندارد؟

جواب: اولاً: در صورتی که وقف برای مطلق خیرات باشد این نحو از تصرفات هم که از امور خیر است جایز است. ثانیاً: اگر وقف تخصیص به خیر خاصی داده نشده بلکه برای مطلق امور خیریه است تصرف در آن برای هر امر خیری با اذن حاکم شرع که در این موارد شرعاً متولی عام است مانع ندارد.

۷۳۳. پدر من قطعه زمینی را وقف نمودند تا در صورتی که احتیاج به بنای مسجد و حسینییه باشد زمین واگذار گردد، از آنجائی که پدرم بی سواد بودند در توضیح شفاهی خود مکان را برای کارهای عام المنفعه وقف نمودند، این در حالی است که محل ما حدود سیصد خانورا می باشد تا چندین سال آینده به مسجد و حسینییه نیاز ندارد اما به مدرسه شدیداً نیازمند است. لذا مستدعی است با توجه به مطالب فوق نظر حضرتعالی را مرقوم فرمائید.

جواب: اگر پدرتان زمین را برای کارهای عام المنفعه وقف نمودند می توانید آن را برای مدرسه واگذار نمائید.

۷۳۴. زمینی از کسانی تبرعاً اخذ و وقف گردیده است به این منظور که وقفش وقف عام باشد که شامل ساختن مدرسه و یا مسجد و یا مقبره شود.

زمینی که برقرار فوق وقف عام شده باشد آیا می شود در آن مسجد بنا کرد یا خیر؟

جواب: اگر وقف شامل آن هست جایز است.

موقوف علیه تدریس قرآن و بیان احکام شرعی

۷۳۵. شخصی شش دانگ عرصه و اعیان یک باب منزلش را به قرار شفاهی شهود وقف بر محل تدریس قرآن و بیان احکام شرع و تشکیل جلسات عزاداری ائمه (ع) و دیگر استفاده های مشروع نموده اما در تنظیم وقفنامه محضری موجود در سوابق مورد استفاده از موقوفه را « بر زینبیه که محل تدریس نسوان و مسائل و احکام شرع و ذکر مصائب آل اطهار قرار گیرد» قید کرده با عنایت به اینکه موقوفه مذکور متولی داشته و به علت بلااستفاده بودن وضع موجود ساختمان به کمک مؤمنین و خیرین تخریب و در طرح بازسازی علاوه بر ساخت سالن اجتماعات و مستحدثات لازم تعدادی دکاکین نیز ساخته شد و دارای عواید می باشد.

اولاً: با توجه به قید استفاده نسوان در وقفنامه محضری آیا امکان مزبور مختص استفاده زنان می باشد و یا اینکه استفاده عموم مجاز است؟ ثانیاً: عواید حاصله از رقبات در چه مواردی مصرف شود؟

جواب: اگر محرز است که واقف منزل مذکور را برای محل تدریس قرآن و بیان احکام شرع و تشکیل جلسات عزاداری وقف نموده است باید مطابق نظر واقف عمل شود بلی امور ذکر شده به مرد یا زن اختصاص ندارد هر گروه می توانند مطابق نظر واقف استفاده نمایند و در هر صورت تصرف موقوفه باید زیر نظر متولی شرعی و به صلاح وقف باشد و تبدیل وقف به چیز دیگر جائز نیست و شخصی که تغییر داده لازم است به صورت اولیه برگرداند.

موقوف علیه طلاب علوم دینی و دارالعلم معین

۷۳۶. ملکی وقف طلاب علوم دینی و دارالعلم آیت الله العظمی نبوی گردیده، به نظر حضرت مستطاب عالی این وقف، وقف عام است یا وقف خاص؟ نظر مبارکتان را مرقوم فرمائید.

جواب: در فرض مذکور وقف عام است.

سیادت از مادر در موقوف علیه سادات

۷۳۷. آیا اشخاصی که فقط مادرشان سیده بوده باشند مشمول سهم سادات مقرر در وقفنامه می باشند یا خیر؟ همچنین در وقفنامه گفته شده: « قسم چهارم به جهت خصوص مؤنه اولاد ذکور است نسلاً بعد از نسل از اینکه ثلث از منافع این موقوفه را اخراج نموده انفاق نمایند فی

سبیل الله در صله ارحام از ذریه علویه». آیا در فرض مرقوم اشخاص اناث یا ذکوری که از طریق مادر منسوب به واقف باشند جزء موقوف علیهم از ارحام قرار می گیرند یا خیر؟

جواب: سید کسی است که از طرف پدر منتسب باشد و انتساب از طرف مادر کافی نیست ولی اولاد و ذریه و نحو آن شامل منتسب از طرف مادر هم می شود.

سیادت از مادر در موقوف علیه ذریه علویه

۷۳۸. آیا اشخاصی که فقط مادرشان سیده بوده باشند مشمول سهم سادات مقرر در وقفنامه می باشند یا خیر؟ همچنین در وقفنامه گفته شده: «قسم چهارم به جهت خصوص مؤنه اولاد ذکور است نسلاً بعد از نسل از اینکه ثلث از منافع این موقوفه را اخراج نموده انفاق نمایند فی سبیل الله در صله ارحام از ذریه علویه». آیا در فرض مرقوم اشخاص اناث یا ذکوری که از طریق مادر منسوب به واقف باشند جزء موقوف علیهم از ارحام قرار می گیرند یا خیر؟

جواب: سید کسی است که از طرف پدر منتسب باشد و انتساب از طرف مادر کافی نیست ولی اولاد و ذریه و نحو آن شامل منتسب از طرف مادر هم می شود.

موقوف علیه آموزش و پرورش

۷۳۹. شخصی اردوگاهی را وقف آموزش و پرورش بیرجند نموده است پس از منفک شدن سربیشه از بیرجند و مستقل شدن این شهرستان، اردوگاه در محدوده سربیشه واقع شده است و جزء این شهرستان می باشد. اکنون با توجه به اینکه اردوگاه در روستایی واقع است که کلیه مدارس آن زیر نظر آموزش و پرورش سربیشه می باشد این اردوگاه چه حکمی دارد؟ آیا به آموزش و پرورش بیرجند تعلق دارد یا آموزش و پرورش سربیشه؟

جواب: متعلق به آموزش و پرورش بیرجند است.

موقوف علیه اولاد ذکور سادات یک روستا

۷۴۰. روستائی است که شهرت به وقفیت دارد ولی وقفنامه ای در دست نیست، شایع و معروف است که قریب ششصد سال قبل حاکم محل آن را وقف بر اولاد ذکور سادات آن روستا کرده است بی آنکه نحوه مالکیت حاکمیت مذکور و چگونگی خریداری ولی از مالک یا مالکین روستای مزبور به اختیار یا به اجبار معلوم و روشن باشد و نظر به اینکه بعضی از سادات موقوف علیهم مجهول المكان و بعضی مجهول الهویه و تعداد آنها هم زیاد و دسترسی به همه ممکن نیست و بر فرض امکان در شرائط فعلی که سال ها عمل به وقف نشده اگر مال الاجاره متعارف محل، در نظر گرفته شود اختلاف و درگیری شدید به وجود خواهد آمد چه بسا احتمال غائله ای بزرگ و موجب سفک دماء و دفع فاسد به افسد گردد هر چند بعضی از مستأجرینی که سال هاست بدون اجاره در اینجا کشت و زرع دارند، حاضرند رضایت موجرین را بعمل آورند ولی مالک و موجر واقعی را نمی شناسند.

جواب: در مفروض سؤال که روستای مذکور مشهور به وقفیت است احکام وقف بر آن جاری است و در صورت عدم متولی خاص باید به حاکم شرع مراجعه و با اجازه او درآمد حاصله صرف سادات مذکور شود و بسط به جمیع واجب نیست.